

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با تهدید و آمریکایی‌ها با خبر دروغ مذاکره فشار حداکثری را ادامه می‌دهند

فشار با آژانس، فضاسازی با رسانه‌های آمریکایی

صفحه ۲ را بخوانید



بازار کتاب زیر ذره‌بین «فرهیختگان»

صدرنشین‌های کتاب در سال ۹۹ را بشناسید

سخنرانی ترامپ در CPAC نشان داد، او می‌خواهد حزب فیل‌ها را رهبری کند

جنگ قدرت در حزب جمهوری خواه

«فرهیختگان» گزارش می‌دهد

جزئیات سازوکار همکاری هیات علمی دانشگاه آزاد

یادداشت - ۱

تدارک ابزار فشار به ایران

در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی



آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنان بر مدار کاخسفید حرکت می‌کند، فرقی هم بین ترامپ و بایدن نیست، آنچه کاخسفید بخواهد با درصد احتمال بالا در آژانس محقق خواهد شد چه خروجی صدور یک قطعنامه علیه کشوری چون ایران باشد، چه مثلاً فضاسازی و نشان دادن چماق و هویج روز گذشته برای کنترل و تلاش برای عقب راندن. اگر به‌خاطر داشته باشید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی یک فرآیند غیر حقوقی و غیرقانونی با اتکا به اسنادی که رژیم‌صهیونیستی ادعا می‌کرد آنها را در جریان یک عملیات جاسوسی به دست آورده، دو پرونده برای دو نقطه از ایران ایجاد و بعداً با وجود حضور بازرسان و بازرسی همچنان بر ادعاهای پیشین خود اصرار کرد. در فرآیندی موازی دبیرخانه آژانس پرونده کاهش اقدامات ایران را نیز در برجام فعال نگه داشت و هر بار عباراتی مبتنی بر گمانه‌زنی و ایجاد رعب درباره پرونده هسته‌ای ایران را به گزارش‌های خود اضافه کرد.

حالا و پس از توافق ایران با آژانس درمورد فرآیند کاهش بازرسی‌ها و جایی که به‌نظر می‌رسد دست دبیرخانه برای سوء استفاده بسته شده، این نمایندگان آمریکا و کشورهای اروپایی هستند که میدان دار شورای حکام شده و به‌جای توضیح دلایل نقض برجام از جانب دولت‌های متبوع‌شان، منتقد کاهش دسترسی‌های بازرسان آژانس برای حضور در ایران شدند. جو سن‌گینی که روز گذشته رسانه‌ها و نمایندگان کشورهای غربی در آژانس علیه ایران به‌راه انداختند و گفتند احتمال صدور قطعنامه علیه ایران جدی است، باعث شد واکنش مسئولان ایرانی ازجمله وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی برانگیخته شود. ظریف گفت اگر قطعنامه علیه ایران صادر شود اوضاع به‌هم می‌ریزد و صالحی هم تاکید کرد درصورت عدم تعهد کشورهای غربی، توافق ایران و آژانس پس از سه‌ماه تمدید نخواهد شد و پایان می‌یابد.

نهایتاً پس از کش و قوس‌های فراوان و اخبار زیادی که از جلسه روز گذشته شورای حکام بیرون آمد، تا لحظه تنظیم این متن، خبری درباره صدور قطعنامه که گفته می‌شد احتمالاً به پیشنهاد ۳ کشور اروپایی و حمایت ایالات متحده درباره خروج ایران از پروتکل الحاقی است، منتشر نشد هرچند برخی رسانه‌ها از پیش‌نویس قطعنامه یادشده رونمایی کردند و گفتند این پیش‌نویس از ایران می‌خواهد به نظارت‌های فرابادماندن تن دهد. در این پیش‌نویس که الجزیره مدعی دستیابی به آن شده بود، کشورهای مدعی تهدید کرده‌اند بدون اجرای بازرسی‌های پروتکل الحاقی امکان تایید صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را ندارند.

با وجود این و در شرایطی که خیلی‌ها منتظر صدور قطعنامه بودند، اظهارات رافائل گروسی با زاویه‌ای نسبت به این وضعیت منتشر شد. او ضمن تاکید بر اینکه نباید مساله بازرسی‌ها به‌عنوان یک برگ برای چانه‌زنی دیپلماتیک استفاده شود، تاکید کرد: «من از تمام اعضا می‌خواهم گفت‌وگوهای سازنده‌ای را داشته باشند و کار آژانس را حفظ کنند. برای من این مساله مهم است. به‌نظر می‌رسد اعضا تمایل دارند گفت‌وگوهای سازنده‌ای با ایران داشته باشند.» حرفی که هرچند برخی از آن تعبیر به عقب‌نشینی کردند اما بیشتر گویای یک نوع دعوت طرفین ازجمله ایران به میز مذاکره و کنار آمدن با خواسته‌های آژانس بود.

به هر حال خروجی روز گذشته مواضع تند شورای حکام نسبت به ایران، پیش‌نویس یک قطعنامه و اظهارات یکی به نعل و یکی به میخ رافائل گروسی بود، فضای توام با رعب و وحشتی که توضیح‌دهنده تدارک ابزار فشار علیه ایران است و تایید امکان استفاده از شورای حکام برای عملیاتی موازی و مکمل برای فشار حداکثری، که نه‌تنها در دولت قبل که حالا و در دولت جدید ایالات متحده هم ادامه یافته است.

محمدامین ذبیحی

پژوهشگر حوزه بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

انتخابات یک رویداد تاریخی برای فراوری یک کاندیدا به کارگزار است که قرار است مردم یک جامعه درمورد آن اظهارنظر کنند. رویداد انتخابات در هر کشوری نقش‌های بسیار مهمی در آینده یک کشور هم از دید بلندمدت و هم از دید کوتاه‌مدت دارد، پس دقیقاً در این نقطه اثرگذاری است که انتخابات پرشور با مشارکت حداکثری علاج بسیاری از دردهای مزمن می‌شود که البته این موضوع یک معطوف دارد و آن هم این است که انتخاب درست در مسیر انتخابات رخ دهد.

مسیر انتخاب درست یک مساله چندوجهی است؛ چند وجه شامل داور انتخابات، نامزدهای انتخابات، مجری انتخابات و مردم شرکت‌کننده در انتخابات دارد. درست یا نادرست‌بودن کاندیدا و شیوه بازیگری او در انتخابات یکی از نقاط حساس و مهم اثرگذاری در انتخاب درست است. کاندیدا اعم از کاندیدای یک جبهه یا کاندیدای مستقل، به‌دنبال نفوذ اجتماعی به‌معنای تغییر نگرش یا رفتارهای یک جامعه پیرامون خود است و برای این موضوع دست به دامن روش‌های مختلف و متفاوتی خواهد شد. همه انسان‌ها دو بعد هیجانی و منطقی دارند و این طبیعی است که گاهی هیجان بر منطق غلبه پیدا می‌کند و گاهی اوقات به‌صورت برعکس منطق بر هیجان غلبه پیدا می‌کند. انتخابات از پدیده‌هایی است که جامعه ایران آن را تجربه می‌کند و هیجان جزء جدانشدنی جامعه در انتخابات است. این هیجان‌ها هم از ترس، مهرورزی، وطن‌دوستی، تهدید، هم‌رنگی و... همگی از سمت جبهه کاندیدا در انتخابات به وجود می‌آید. هیجان‌ها یکی از امیدهای جامعه درمورد آینده هستند که دکمه فعال‌سازی یا خاموش کردن آن برای مدت‌ها در دستان نامزدها قرار می‌گیرد.

مساله اصلی اینجاست که کاندیدا باید در انتخابات در تعامل با هیجان و منطق مردم قرار بگیرد و این تعامل می‌تواند مفیدو مضر برای مسیر پیشرفت جامعه باشد. هیجان مفیدی که با یک منطق همراه باشد باعث امیدواری و خوش‌بینی خواهد شد که به‌دنبال خود مسئولیت‌پذیری، مقاومت در مشکلات، مشارکت و... را خواهد داشت. هیجان مضر که منطقی را درون خودش قرار نداده باشد یا ظرفی پر از منطق و فلسفه غیرانسانی و غیراسلامی باشد، اثرات منفی بر جامعه خواهد داشت. کاندیدای درست چگونه با افکار عمومی مردم یک جامعه تعامل کرده و چگونه نقش خود را در افکار عمومی مشخص می‌کند؟

فعالیت انتخاباتاتی کاندیدای درست

ایستادگی بر اصول و انعطاف در فروغ (گذشت در فروغ)؛ اینکه فردی اصولی را در زندگی سیاسی خود تعریف کرده و بر مبنای آن اصول با جامعه تعامل کند شخصیت و برند جذابی خواهد داشت، چرا که برای جامعه قابل اعتماد است و فردی نیست که با هر بادی در جامعه به هر سویی حرکت کند. این نوع از کارگزار تعامل با افکار عمومی را بر مبنای اصول و فروغ خود انجام خواهد داد و به‌دنبال نیزنگ، حيله، دروغ و شبیه به اینها نیست و مردم جامعه این موضوع را درک می‌کنند. سیره امام خمینی (ره) و آیت‌الله

خانم‌ه‌ای در جذب مخاطب تاکنون همین بوده که جذابیت زیادی برای قشرهای مختلف جامعه در سال‌های طولانی داشته است.

شناخت مخاطب

مخاطبان رای‌دهی در جامعه احتمالاً در نمودار نرمال قرار گرفته‌اند. سیاه و سفید و خاکستری سه رنگی هستند که سه طیف این نمودار را تشکیل می‌دهند. لوکوموتیو رای سیاه یا سفید نظرات افراد ساکن در وسط نمودار را تغییر می‌دهد و نمودار نرمال، چولگی به‌سمت راست یا به‌سمت چپ پیدا می‌کند؛ به این معنا که تمایل به‌سمت چپ یا به‌سمت راست پیدا خواهد کرد.

کاندیدای درست باید خوب نیاز مخاطب را بداند و آن را شناسایی کند و با راه‌حل پیشنهادی به نیاز مردم، لوکوموتیو رای را به‌سمت خود بکشانند؛ درواقع کاندیدای درست درک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه را افزایش می‌دهد و فلسفه نهان در انتقال هیجانی پیام را که همان نیاز واقعی مردم است به مخاطب خود نشان می‌دهد. پیام‌های کاندیدای درست شاخص‌های عملکردی آینده نامزد در مقام کارگزار را تشکیل می‌دهد. کاندیدای درست درمورد نیاز واقعی و حقیقی جامعه با مردم صحبت می‌کند و کاندیدای نادرست یک نیاز بدلی را جایگزین نیاز واقعی می‌کند و روی پاسخ به نیاز غیرواقعی مانور می‌دهد و درک افکار عمومی را تغییر می‌دهد؛ طبیعتاً کاندیدای نادرست پس از حضور در جایگاه است که جامعه ایران آن را تجربه می‌کند و هیجان جزء جدانشدنی جامعه و اعتماد بدنه جامعه به حکومت می‌زند؛ چراکه درمورد نیاز واقعی جامعه ایده‌ای نخواهد داشت.

انتخاب اهداف و روش‌ها

اهداف و روش‌ها برای شرکت در انتخابات ازسوی کارگزار در چهار حالت مختلف قرار می‌گیرند که این ارزیابی مثبت و منفی بودن اهداف و روش‌ها از جهات اخلاقی، انقلابی، توانایی در انتقال پیام، پتانسیل داشتن آن در ادراک جامعه، مراقبت از سرمایه‌های روان‌شناختنی جامعه، توانایی پیاده‌سازی و اجرا بعد از رای آوردن و... سنجیده می‌شوند که کاندیدای درست باید سعی کند در شاخص‌های اهداف و روش‌ها در ناحیه‌ای قرار بگیرد که هر دو مثبت باشد.

مشخص کردن نسبت آرمان خواهی و واقعیت‌ها

کاندیدای درست در مناظرات انتخاباتاتی خودش برای تبیین مسیر انتخاب درست، آرمان‌ها را بیان می‌کند و بر سر آرمان‌ها می‌ایستد، اما واقعیت‌ها را هم می‌بینسد و روی واقعیت‌ها صحبت می‌کند. آیت‌الله خانم‌ه‌ای پس از انتخابات ۹۲ نکاتی را فرمودند که مرتبط با مساله کاندیدای درست است و به‌گونه‌ای آسیب‌شناسی مسیر انتخاب درست از زاویه کاندیدای درست است: «ما آرمانگرایی را صددرصد تایید می‌کنیم، دیدن واقعیت‌ها را هم صددرصد تایید می‌کنیم. آرمانگرایی بدون ملاحظه واقعیت‌ها، به خیال‌پردازی و توهم خواهد انجامید. وقتی شما دنبال یک مقصودی، یک آرمانی حرکت می‌کنید، واقعیت‌های اطراف خودتان را باید بسنجید و طبق آن واقعیت‌ها برنامه‌ریزی کنید. بدون دیدن واقعیت‌های جامعه،

تصور آرمان‌ها خیلی تصور درست و صحیحی نخواهد بود، چه برسد به دستیابی به آرمان‌ها.

اگر بخواهیم مثال بزنیم، باید بگوییم آرمان‌ها مثل قله‌اند. کسانی که اهل گردش در کوهستان و رفتن به‌سیمت قله‌ها هستند، قله را درست تصور می‌کنند. رسیدن به قله، یک آرمان است؛ آرمان‌ها را به این تشبیه کنید. انسان دوست می‌دارد به آن قله برسد. وقتی شما این پایین هستید، دوست می‌دارید بروید و برسید به آن نقطه اوج و ستیغ این بلندی و ارتفاع؛ منتها واقعیتی وجود دارد؛ اگر بی‌توجه به این واقعیت بخواهید این کار را بکنید، نیروی خودتان را هدر می‌دهید؛ آن واقعیت این است که راه رسیدن به این قله، این نیست که شما جلوی چشم‌ت مشاهده می‌کنی که حالا اینجا قله است، این هم دامنه است، بگیر و برو بالا؛ این جور ی نیست، راه دارد. اگر چنانچه شما بی احتیاطی کردید، همینکه که جلوی چشم شما است، دامنه را گرفتید رفتید بالا، قطعاً به نقاطی خواهید رسید که نه راه پیش رفتن دارید، نه راه عقب آمدن. اینهایی که اهل رفتن به کوه و گردش در کوهستان هستند، چنین چیزی برایشان پیش می‌آید؛ برای بنده هم پیش آمده. وقتی انسان بدون آشنایی با راه حرکت می‌کند، به نقطه‌هایی می‌رسد که راه جلو رفتن و عقب ماندن ندارد؛ با زحمت زیاد انسان باید خودش را از مشکل خلاص کند. واقعیت عبارت است از همین راه؛ راه را باید پیدا کرد.» از زاویه کاندیدای درست این موضوع به این مناسبت که کاندیدای درست باید علاوه‌بر آرمان‌ها درمورد برنامه‌های عملکردی خود صحبت کند و واقعیت‌های جامعه و نژاحم‌های موجود مدیریتی آنها را تبیین کند و باید به‌گونه‌ای تبیین کند که اقشار مختلف جامعه آنها را متوجه شوند. به بیان دیگر، باید یک عملکرد را نقش بزند که مبتنی بر واقعیت‌ها و موجودیت‌ها باشد و هم اینکه بادکنکی نباشد که پس از انتخاب بترکد و قابلیت اجرا نداشته باشد. این کار فایده‌های زیادی دارد؛ افزایش فهم عمومی جامعه از مسائل مدیریتی و سیاسی؛ تبیین شاخص‌های عملکردی رئیس‌جمهور آینده، پرهیز از کلی‌گویی و شعار ازجمله فواید واقع‌بینی درکنار آرمان خواهی است.

جمع‌بندی

یک کاندیدای درست برحسب جایگاه کاندیدا بودن در انتخابات به‌دنبال نفوذ اجتماعی و تغییر نگرش هاست. کاندیدای درست باید برای مفهوم انتخاب درست مردم تلاش کند پس باید یک زمین بازی را به وجود آورد. کاندیدا باید رویکردها و اصولی را انتخاب کند که به مسیر انتخاب درست کمک کند؛ برای این کار باید کاندیدا اصول و فروغ خود را مشخص کند و مخاطب خود را به‌خوبی بشناسد؛ همچنین باید از بین اهداف و روش‌ها به‌دنبال مثبت‌ترین آنها حرکت کند. کاندیدای درست نسبت خود با واقعیت‌های جامعه را به‌خوبی درک می‌کند و نیازهای اصلی جامعه را که پس‌زمینه فعالیت‌های انتخاباتی اوست، به‌خوبی می‌فهمد. کاندیدای درست دوگانه عقلانیت و منطق جامعه را می‌فهمد و براساس هر دو عملکرد خود را مشخص می‌کند؛ یک عملکرد مسئولانه در برابر مردم، حکومت را مشخص می‌کند و در برابر سرمایه‌های روان‌شناختنی جامعه، سرمایه‌های اجتماعی و سیاسی خود را مسئول می‌داند و مسئولیت‌پذیرانه در برابر مفهوم انتخاب درست در عرصه انتخابات حاضر می‌شود.